

## بررسی تطبیقی احکام تنبیه زنان در تفاسیر شیعه و سنی

زهرا امیری<sup>۱</sup>

### چکیده

مسئله «ضرب» زنان در آیه ۳۴ سوره نساء از جمله موضوعات مناقشه‌برانگیز در فقه و تفسیر اسلامی است که همواره مورد توجه مفسران شیعه و سنی بوده است. این آیه، که در چارچوب نشوز زن از همسر آمده، سه مرحله از مواجهه را بیان می‌دارد: وعظ، هجر، و ضرب. با وجود تصریح قرآن به مرحله سوم، در خصوص معنای «ضرب»، شرایط تحقق آن، مشروعیت اخلاقی و اجتماعی، و انطباق آن با کرامت انسانی، دیدگاه‌های گوناگونی در میان مفسران ارائه شده است. این مقاله با رویکرد تطبیقی به تحلیل آراء تفسیری و فقهی مفسران شیعه و سنی درباره حکم ضرب می‌پردازد و ضمن بررسی مبانی نظری آیه، تلاش می‌کند تا برداشت‌های سنتی و معاصر را در چارچوبی منسجم مورد ارزیابی قرار دهد. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که اغلب تفاسیر، ضرب را مشروط، محدود و ترجیحاً نامطلوب دانسته‌اند، و برخی از متفکران معاصر، تفسیر غیر فیزیکی از این واژه را با استناد به سیاق و قرائن لغوی پیشنهاد کرده‌اند. این تحلیل می‌تواند بستری برای بازاندیشی در فهم دینی و حقوقی آیه فراهم آورد.

کلمات کلیدی: ضرب زنان، نشوز، قوامیت، فقه تطبیقی، تفسیر شیعه و سنی.

---

<sup>۱</sup> سطح دو، مدرسه علمیه بنت الرسول (س) شهرستان الشتر

## مقدمه

مسئله تنبیه زنان در خانواده یکی از موضوعات حساس و پرچالش در فقه و تفسیر اسلامی است که به ویژه آیه ۳۴ سوره نساء (وَأَضْرِبُوهُنَّ) محور اصلی این بحث قرار گرفته است. تفاسیر شیعه و سنی این آیه برداشت‌های متفاوت و گاه متضادی دارند که منجر به رویکردهای متنوع و بعضاً متعارض در زمینه احکام تنبیه زنان شده است. این اختلافات نه تنها بر فهم دقیق آیه تأثیرگذار است، بلکه تأثیر مستقیمی بر حقوق و کرامت زنان و جایگاه آنان در خانواده و جامعه اسلامی دارد. از این رو، مسئله این تحقیق آن است که وجوه مشابهت و تفاوت احکام تنبیه زنان در تفاسیر شیعه و سنی چیست و هر یک بر چه مبانی فقهی و تفسیری استوار است؟

هدف این پژوهش فراتر از صرفاً تبیین و مقایسه نظرات تفسیری و فقهی دو مذهب شیعه و سنی درباره موضوع تنبیه زنان است. این تحقیق در پی تعمیق فهم علمی، فقهی و اخلاقی مسئله، شناسایی مبانی فلسفی و ارزش‌های انسانی نهفته در احکام، و همچنین بررسی تأثیر این دیدگاه‌ها بر ساختارهای خانوادگی و اجتماعی است. هدف دیگر، کشف زمینه‌های فرهنگی و تاریخی شکل‌گیری این رویکردها و تحلیل تطبیقی آنها به منظور فراهم ساختن بستری برای گفت و گوی میان‌فرقه‌ای و ارتقای حقوق زنان در خانواده‌های مسلمان است. همچنین این پژوهش می‌کوشد با ارائه راهکارهای مستدل فقهی و اخلاقی، به کاهش سوء تفاهم‌ها و تعارض‌های حقوقی ناشی از این اختلافات کمک کند و نقشی سازنده در اصلاح نگرش‌ها و بهبود قواعد خانوادگی در چارچوب اسلام ایفا نماید.

با توجه به اهمیت گسترده موضوع حقوق زنان و تأثیر جدی تفاسیر فقهی بر قوانین خانواده و شرایط زنان در جامعه اسلامی، ضرورت دارد که تفاوت‌ها و شباهت‌های دیدگاه‌های مذاهب اصلی اسلامی به روشنی درک و تحلیل شود. این پژوهش ضمن روشن‌سازی وجوه نظری و عملی، زمینه گفت‌وگو و اصلاح برداشت‌های رایج را فراهم ساخته و می‌تواند به ارتقای جایگاه حقوقی و انسانی زنان در چارچوب اصول اسلامی کمک کند.

در زمینه بررسی احکام و حقوق زن در اسلام، آثار متعددی وجود دارد که از آن میان می‌توان به کتاب «زن در اسلام» منتشر شده توسط نشر افق اندیشه اشاره کرد که به مبانی حقوق زن، احکام فقهی و پاسخ به شبهات مطرح شده درباره زنان می‌پردازد. همچنین «زن در تفسیر نمونه» اثر آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی، جایگاه زنان و احکام مرتبط را در تفاسیر شیعه بررسی کرده است. علاوه بر آن، آثار

«جایگاه و نقش فرهنگی و سیاسی بانوان شیعه: از عصر امام صادق تا پایان غیبت صغری» نوشته سعیده رحیمی و «بانوان محدث شیعه» نوشته سیده طیبه موسوی اصل، جنبه‌های فرهنگی و فقهی حضور زنان شیعه در تاریخ اسلام را تحلیل نموده‌اند. از سوی دیگر، تفاسیر و کتاب‌های اهل سنت مانند تفسیر قرطبی و فتح الباری شرح صحیح البخاری نوشته ابن حجر عسقلانی نیز مبانی فقهی آنان درباره حقوق زنان را بیان کرده‌اند. همچنین مقالات تطبیقی مانند «بررسی تطبیقی قوامیت و تنبیه زنان در تفاسیر فریقین» نوشته محسن علی جانی به صورت علمی به این موضوع پرداخته‌اند. هرچند پژوهش‌های متعددی در این حوزه وجود دارد، اما بیشتر آنها یا به صورت تک‌مذهبی و یا به صورت محدود به جنبه‌های جزئی فقهی پرداخته‌اند و کمتر پژوهشی به صورت جامع و تطبیقی میان تفاسیر شیعه و سنی با نگاه تحلیلی عمیق صورت گرفته است. پژوهش حاضر با رویکردی همه‌جانبه و مستند به منابع معتبر دو مذهب می‌کوشد این خلأ را پر کند و به صورت منسجم و جامع به تحلیل و بررسی احکام تنبیه زنان بپردازد. با این حال هنوز جای پژوهشی که چنین نگاه تطبیقی و کامل داشته باشد، خالی است و این تحقیق در پی پر کردن این خلأ به صورت اصولی است.

## ۱. مبانی نظری، تعریف مفاهیم و اصطلاحات

یکی از نیازهای امروز جامعه اسلامی پاسخ به شبهاتی است که فکر و ذهن بسیاری از افراد به ویژه جوانان را به خود مشغول کرده است. از جمله شبهاتی که در نظام خانواده وجود دارد. بحث تنبیه بدنی زن است که در آیه ۳۴ سوره نساء آمده است: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ... وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا؛ مردان، سرپرست زنانند... و زنانی را که از نافرمانی آنان بیم دارید نخست پندشان دهید و بعد در خوابگاه‌ها از ایشان دوری کنید و اگر تأثیر نکرد آنان را بزنید پس اگر شما را اطاعت کردند دیگر بر آنها هیچ راهی برای سرزنش مجوید که خدا والای بزرگ است»<sup>۱</sup>.

تنبيه بدنی زنان حکمی گرفته شده از آیه ۳۴ سوره نساء است که درباره زنان ناشزه (زنانی که وظایف همسری خود را بجا نمی‌آورند) اعمال می‌شود.<sup>۱</sup> البته بر اساس این آیه ابتدا باید زن ناشزه را نصیحت کرد، اگر تأثیر نداشت در بستر خواب از او کناره‌گیری کند و اگر تأثیر نداشت، نوبت به زدن می‌رسد.<sup>۲</sup> مسئله تنبيه بدنی زنان را مختص به اسلام ندانسته‌اند؛ بلکه آن را پدیده‌های اجتماعی می‌دانند که علاوه بر شیوع بسیار زیاد در تمامی جوامع از ابتدایی تا پیشرفته، محدودیت زمانی هم ندارد.<sup>۳</sup>

## ۱-۱ مفهوم‌شناسی نشوز

اصطلاح «نشوز» در قرآن کریم، به‌ویژه در آیه ۳۴ سوره نساء، به یکی از چالش‌برانگیزترین مفاهیم در روابط زناشویی اشاره دارد. واژه «نشوز» در زبان عربی از ریشه «نَشَزَ» به معنای سر بلند کردن، سرپیچی کردن و خروج از حالت طبیعی آمده است. در لسان‌العرب، «نشوز» به‌صورت «ارْتِفَاعٌ عَنِ الْمَكَانِ» (بلندشدن از جایگاه) تعریف شده که در مفهوم استعاری آن، به معنای سرپیچی رفتاری نیز کاربرد دارد.<sup>۴</sup> در تاج العروس نیز آمده است: «نَشَزَتِ الْمَرْأَةُ عَلَى زَوْجِهَا: عَصَتْهُ وَتَرَفَّعَتْ عَلَيْهِ»؛ یعنی زن در برابر شوهرش سرکشی کرد و خود را بالاتر پنداشت.<sup>۵</sup>

در فقه اسلامی، نشوز به حالتی اطلاق می‌شود که زن به‌صورت عمدی و مکرر، از انجام وظایف زناشویی مشروع و متعارف، همچون تمکین، تبعیت از تصمیمات مشروع همسر، و رعایت حدود شرعی زندگی خانوادگی امتناع می‌ورزد. از منظر فقهی، این وضعیت گاه موجب کاهش حقوق مالی زن (مانند نفقه) یا فعال‌شدن سازوکارهای اصلاحی در درون خانواده می‌شود.<sup>۶</sup>

برخی از مصادیق رایج نشوز که در منابع فقهی و تفسیری ذکر شده‌اند، عبارت‌اند از:

- امتناع از رابطه زناشویی حلال و مشروع بدون عذر شرعی؛

---

<sup>۱</sup> مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۷۴-۳۷۳

<sup>۲</sup> طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۳۴۵

<sup>۳</sup> طالبی، مسأله تنبيه بدنی زنان، ص ۴۷۵

<sup>۴</sup> ابن منظور، لسان العرب، ج ۶، ص ۲۴۶

<sup>۵</sup> زبیدی، تاج العروس، ج ۳۴، ص ۴۲۹

<sup>۶</sup> نجفی، جواهر الکلام، ج ۳۲، ص ۲۴۵

- ترک منزل بدون رضایت یا اذن شوهر در شرایطی که خروج به مصالح خانواده آسیب می‌زند؛
- بی‌توجهی به نظافت و آراستگی در چارچوب زندگی مشترک، در صورتی که بخشی از توافق یا عرف متشرعه محسوب شود.
- بی‌توجهی عمدی به حقوق عاطفی شوهر، در صورت تبدیل به قهرهای مزمن و آسیب‌زا.

در مقابل، اموری مانند انجام ندادن کارهای خانه یا آشپزی، مگر آن‌که صریحاً در ضمن عقد شرط شده باشد، مشمول نشوز محسوب نمی‌گردد.<sup>۱</sup>

از منظر حقوقی، قانون مدنی ایران نشوز را به عنوان یکی از عوامل مؤثر در روابط زوجین تلقی کرده است: «هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند، مستحق نفقه نخواهد بود».<sup>۲</sup>

### انگیزه‌ها و عوامل شکل‌گیری نشوز در روابط زناشویی

برخلاف تصور رایج که نشوز را تنها ناشی از نافرمانی زن می‌داند، روان‌شناسان و جامعه‌شناسان معتقدند عوامل گوناگون روانی، اجتماعی و خانوادگی در بروز چنین رفتارهایی مؤثرند. بر پایه نتایج علمی، مهم‌ترین انگیزه‌های بروز نشوز را می‌توان در چند محور اصلی خلاصه کرد:

- بی‌عدالتی و تحقیر مداوم از سوی همسر:
- مطالعات نشان داده است که زنان در محیط‌هایی که احساس امنیت روانی، احترام متقابل یا توجه عاطفی ندارند، ممکن است به رفتارهای مقابله‌جویانه روی آورند.<sup>۳</sup>
- اختلال در ارتباطات عاطفی و زبانی:

وقتی زن و شوهر زبان مشترک برای بیان نیازهای خود ندارند، سوءتفاهم‌ها و اختلاف‌ها شدت می‌گیرد و به تدریج فاصله احساسی افزایش می‌یابد که زمینه‌ساز رفتارهای نشوزآمیز است.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۳۴۰

<sup>۲</sup> قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، ماده ۱۱۰۸

<sup>۳</sup> نامداپور، بررسی علل ناسازگاری زناشویی در تعاملات زوجی، دوره ۴، ش ۱، ۱۴۰۲ ه. ش.

<sup>۴</sup> نراقی، مصطفی، اخلاق خانواده، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۲

می‌شود. در همین راستا، مفسرانی مانند مراغی معتقدند که در جوامع متعادل و تربیت‌یافته، نیازی به اعمال ضرب حتی در حد نمادین نیست و باید جای خود را به روش‌های عاطفی و تربیتی بدهد.<sup>۱</sup>

### ۲-۳ بررسی انتقادی نسبت میان «ضرب» و کرامت انسانی

اصول اخلاق اسلامی، از جمله «حرمت نفس»<sup>۲</sup> و اصل «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام»، در تضاد آشکار با هر نوع آسیب‌رسانی بی‌ضابطه به دیگران، به‌ویژه در درون خانواده قرار دارند. این اصول، مبنای فقهی و اخلاقی محکمی برای بازنگری در برداشت‌های سنتی از حکم ضرب فراهم می‌کنند. آیت‌الله جوادی آملی معتقد است هرگونه خشونت که کرامت زن را زیر پا بگذارد، ولو با نیت اصلاح، مردود است. ایشان تصریح می‌کند که هدف از ضرب، نه تنبیه جسمی، بلکه نوعی هشدار اخلاقی است که باید در قالب‌های غیر فیزیکی در دوران کنونی بازتعریف شود.<sup>۳</sup>

### ۳-۳ ناسازگاری ضرب با اصول حقوق بشر

در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، به‌ویژه اعلامیه جهانی حقوق بشر (ماده ۵)، هرگونه تنبیه بدنی یا رفتاری که منجر به تحقیر یا شکنجه شود، ممنوع شمرده شده است. اگرچه احکام اسلامی باید در بستر زمان نزول فهم شوند، اما تأکید دین بر عدالت، کرامت انسان و رفع ظلم، امکان بازخوانی این احکام را با روش‌های اجتهادی فراهم کرده است.

برخی فقه‌های نواندیش، از جمله آیت‌الله موسوی بجنوردی و آیت‌الله موسوی لاری، تأکید دارند که احکام اجتماعی در اسلام تابع مصالح متغیر و عقلانیت اجتماعی‌اند و از این رو «ضرب» در صورت تعارض با مصالح جامعه، می‌تواند کنار گذاشته شود یا به‌گونه‌ای تفسیر شود که با عقل جمعی، اخلاق و عرف زمانه سازگار باشد.<sup>۴</sup>

---

<sup>۱</sup> مراغی، تفسیر المراغی، ج ۴، ص ۱۵۲

<sup>۲</sup> اسراء: ۷۰

<sup>۳</sup> جوادی آملی، زن در آینه جمال و جلال، ص ۳۲۸

<sup>۴</sup> بجنوردی، حقوق زن، ص ۱۰۵

## نتیجه‌گیری

حکم ضرب زنان در آیه ۳۴ سوره نساء یکی از مباحث حساس و محل مناقشه در فقه اسلامی و تفسیر قرآن است. با آنکه ظاهر آیه به جواز تنبیه بدنی در مرحله سوم اصلاح زن ناشزه اشاره دارد، اما در تفاسیر شیعه و سنی، این حکم هرگز به صورت مطلق پذیرفته نشده و همواره با شرایط و قیودی همراه بوده است. مهم‌ترین این شروط، تحقق نشوز واقعی، عدم تأثیر راهکارهای قبلی (موعظه و هجر)، رعایت ترتیب، قصد تأدیب، و خودداری از ضرب شدید و آسیب‌رسان است. بدین ترتیب، حتی در نگاه سنتی، این حکم محدود، استثنایی، و ناظر به مصلحت خاص حفظ بنیان خانواده بوده است.

از سوی دیگر، روایات و تحلیل‌های تفسیری نشان می‌دهد که ضرب در آیه، بیش از آن‌که به معنای خشونت فیزیکی باشد، نوعی برخورد حداقلی برای مهار ناسازگاری شدید است و در بسیاری از تفاسیر، به «ضرب با مسواک» یا «ضرب غیر مبرح» تأویل شده است. چنین تفسیرهایی عملاً وجه فیزیکی آیه را به سطح نمادین و سمبلیک فرو می‌کاهند و بر اصلاح رفتار به شیوه‌ای غیرتحقیرآمیز و قابل کنترل تأکید دارند.

با ظهور دیدگاه‌های نو در حوزه فقه و تفسیر، به‌ویژه از سوی اندیشمندان معاصری چون آیت‌الله جوادی آملی، آیت‌الله معرفت و آیت‌الله موسوی بجنوردی، برداشت‌های جدیدی از واژه «ضرب» شکل گرفته است. این دیدگاه‌ها بر این اساس استوارند که هرگونه خشونت در تضاد با اصول کرامت انسانی، عدالت، و رحمت بنیادین شریعت قرار دارد و در شرایط کنونی، ضرب را باید به‌عنوان هشدار اخلاقی یا برخورد تربیتی غیر فیزیکی فهم کرد.

علاوه بر این، تحلیل‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی نیز نشان می‌دهد که خشونت در خانواده، حتی در سطح ظاهراً سبک، می‌تواند آسیب‌های بلندمدت به سلامت روان زن، اعتماد متقابل میان زوجین و تربیت فرزندان وارد کند. بنابراین، راهکارهای جایگزینی مانند گفت‌وگوی عاطفی، مشاوره، میانجی‌گری، و مراجعه به داوری عادلانه، نه تنها مؤثرتر، بلکه سازگارتر با روح تعالیم اسلامی‌اند.

در مجموع، می‌توان گفت که حکم ضرب در قرآن باید در چارچوب زمان نزول، شرایط فرهنگی و هدف اصلی آیه، یعنی بازسازی روابط زناشویی در سایه کرامت و نظم، فهم شود. اجتهاد معاصر می‌تواند با تکیه بر اصول ثابت قرآن و روش‌های تفسیر پویا، معنای ضرب را بازتعریف کند و آن را با نیازهای اخلاقی و انسانی عصر حاضر هماهنگ سازد. در چنین بازخوانی‌ای، اصل بر نفی خشونت، تقویت عدالت در خانواده، و جایگزینی راهکارهای عقلانی و اخلاقی خواهد بود.



## منابع

### - قرآن کریم

۱. ابن العربی، ابوبکر محمد بن عبدالله، **أحكام القرآن**، تحقیق: علی محمد البجاوی، بیروت: دار الجیل، ۱۴۱۵ هـ ق.
۲. ابن عاشور، محمد بن طاهر، **التحریر والتنویر**، لیبی: الدار التونسیه للنشر (بی تا)
۳. ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو، **تفسیر القرآن العظیم**، تحقیق: محمد حسین شمس الدین، بیروت: دار الکتب العلمیه منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۹ هـ ق.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ هـ ق.
۵. رازی، فخر الدین، **التفسیر الکبیر**، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ هـ ق.
۶. راغب اصفهانی، حسین ابن محمد، **المفردات فی غریب القرآن**، تحقیق: صفوان عدنان داودی، دمشق - بیروت: دار العلم - الدار الشامیة، ۱۴۱۲ هـ ق.
۷. زبیدی، مرتضی، **تاج العروس من جواهر القاموس**، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۴ هـ ق.
۸. سیدبن قطب، شاذلی، **فی ظلال القرآن**، بیروت - قاهره: دارالشروق، ۱۴۱۲ هـ ق.
۹. صدوق، ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، **من لایحضره الفقیه**، بیروت: دار صعب، دار التعارف، ۱۴۰۱ هـ ق.
۱۰. طالبی، محمد، «مساله تنبیه بدنی زنان»، ترجمه: مهدی مهریزی، مجله بازتاب اندیشه، شماره ۶۴، ۱۳۸۴ هـ ش.
۱۱. طباطبایی، سیدمحمد حسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ هـ ق.
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، مقدمه محمد جواد بلاغی، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ هـ ش.
۱۳. طوسی، شیخ محمدحسن، **التبیان فی تفسیر القرآن**، مقدمه شیخ آغا بزرگ طهرانی و تحقیق احمد قصیر عاملی، بیروت: دارالتراث العربی، ۱۴۱۲ هـ ق.

۱۴. طیب، سیدعبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۷۸هـ ش.
۱۵. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۴هـ ش.
۱۶. مراغی، احمد بن مصطفی، تفسیر المراغی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰هـ ق.
۱۷. مظاهری، حسین؛ بانکی پور فرد، امیرحسین، اخلاق در خانواده، تهران: دفتر نشر معارف، ۱۳۷۱ هـ ش.
۱۸. معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، قم: انتشارات التمهید، ۱۳۸۶هـ ش.
۱۹. مغنیه، محمد جواد، تفسیر الکاشف، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۲۴هـ ق.
۲۰. مغنیه، محمد جواد، تفسیر المبین، قم: بنیاد بعثت، ۱۴۱۴ هـ ق.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ هـ ش.
۲۲. موسوی خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، نجف: مطبعه الآداب، چاپ دوم، ۱۳۹۰ هـ ق.
۲۳. نامدارپور، فهیمه، «بررسی علل ناسازگاری زناشویی در تعاملات زوجی»، فصلنامه خانواده درمانی کاربردی، دوره ۴، شماره ۱، ۱۴۰۲ هـ ش.
۲۴. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ق.